



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۱/۲۰

محمد ولی

برای آگاهی نسل نو کشور

بیست و نه جدی سال سیزده صدو هفت هجری شمسی تاریخ تخت نشینی حبیب الله کلکانی است، نه ماهی که دستاوردهای ده ساله ترقی و تحول را در آتش جهل سوخت! افغانستان روزهای سیاه زیادی را گذشتانده است، نه ماه سلطه سقوی ها یکی از این سیاهی های بود که مردم ما دیده است.

بدون ذکر و تکرار، شورش ضد سلطنت اعلیحضرت امان الله خان از مراجع هند برتانوی به تحریک و همدستی ریزرف های انگلیس در داخل افغانستان سمت و سو داده می شد، عقب ماندگی ذهنی، برخی اقدامات نا سنجیده شده اعلیحضرت شمشیر دست انگلیس و شورشیان را برنده تر ساخت.

عده ای از سیاست بازان فاقد مشی سیاسی افغانستان شمول تلاش دارند آن شورش های برپا شده را جنبه قومی داده قیام را علیه حاکمیت دولتی دولتمردان پشتون تبار وانمود سازند و از آن برای مبانی فکری و مرامی قوم گرایانه شان تاریخ سازی کنند، از گروه دزدان در راس حبیب الله کلکانی بزعم خود قهرمانان قومی برای ملیت بزرگ تاجک بسازند.

این جعل کاران از حقایق آغاز و دوام شورش چشم می پوشند، اما حقیقت این است که شورش ضد اصلاحات و پروگرام های ترقیخواهانه امان الله خان نه از جانب چند شورشی مربوط به قوم تاجک بلکه توسط چند تن شورشگر مربوط به ملیت پشتون آغاز یافت.

اولین شورش خلاف اصلاحات و قانون اساسی در سال نوزده صد و بیست و چهار میلادی از پکتیا به تحریک ملا عبدالله و ملا عبدالرشید شروع شد. لارنس جاسوس انگلیس بنام پیر کرمشاه در عقب این شورش قرار داشت.

در سال نوزده صدو بیست و هشت میلادی شورش شینوار برهبری محمد افضل خان و محمد علم خان شنواری برپا گردید. یک جاسوس برتانوی بنام عبدالواحد (ملیونر افغان که در استرالیا زندگی می کرد با نام بدل (مستر وید) به بهانه تجارت سنگهای قیمتی به افغانستان آمده بود شورش شنوار را در خفا رهبری میکرد. او در پاریس با نادر خان هم ملاقات داشت. حکومت امان الله خان ورود او را به افغانستان منع کرده بود اما انگلیس ها با تغییر نام (مستر وید) او را به شینوار فرستاده بودند. دامنه شورش شینوار تا شمال کابل رسانیده شد و با تضعیف دولت و ترک قدرت از جانب امان الله خان بچه سقو بر تخت کابل نشانده شد (قصه رفتن او به پشاور و پاره چنار و دزدی و بندی شدنش و بعد به خدمت گرفتن وی توسط انگلیس ها دراز است و بار بار به تکرار نوشته شده است.)

در تحریک این شورش عده ای از روحانیون که نه پشتون بودند و نه تاجک بلکه از لحاظ نسبی عرب تبار بودند (مانند حضرات شور بازار، اخند زاده صاحب تگاب، ایشان خواجه مشهور به خلیفه صاحب

قرل ایاق که با مریدانش از انطرف دریای امو به افغانستان امده بودند (نقش کلیدی داشتند نه حبیب الله کلکانی و گروه راه گیرانش . این ها وسیله بودند برای بد امن سازی اوضاع از طرق دزدی و بغاوت و رامگیری.

اولین فیصله ضد اصلاحات و قانون اساسی را شورشی های شینوار به کابل فرستادند که الغای نظامنامه دولتی (قانون اساسی) ، تلاق ملکه ثریا بانی نهضت زن، پس خوانی دختران از تحصیلات ترکیه و چند ماده دیگر در آن شامل بود.

در زمان جنگ با گروه حبیب الله کلکانی، در انطرف کوتل خیر خانه سور جرنیل قوماندان قوای دولتی بود او امر کرده بود که هیچ مرمی توپچی در قلعه محل اقامت بچه سقو اصابت نکند. محمد یعقوب که تازه از تحصیل نظامی در فرانسه برگشته بود قوماندانی توپچی در دشت چمتله را به عهده داشت، همکارانش به او گفته بودند در فرانسه چه خوانده ای که آن قلعه را به آن وسعت نشانه گیری نمی توانی؟ او گفته بود اگر سوزن را هم بنشانید می توانم نشانه بگیرم اما آن سرخ بروت (منظور سور جرنیل که از قوم ناصری پکتیا بود) به من گفته است اگر یک مرمی توپ به یک متری آن قلعه اصابت کند با همین تفنگچه مغزت را پاشان میکنم .

زمانیکه امان الله خان از قندهار بصوب کابل جهت باز گیری سلطنت حرکت کرده بود هزاره های هزاره جات در غزنی با او پیوستند اما پنجهزار مرد مسلح پشتونهای سلیمان خیل جنوبی در غزنی علیه امان الله خان ایستادند.

حبیب الله کلکانی در پلان تغیر قدرت بحیث یک جاهل ضد ترقی و دشمن اصلاحات غرض اهانت به ترفیخواهی و تحول پسندی امانیست ها، همه مشروطه خواهان، استقلال طلبان و امحای کامل آنان موقتاً بر تخت پادشاهی آورده شد تا در مدت نه ماه بستر تحولات و تحول پسندان را برجیده راه را برای ورود مهره اصلی مورد نظر انگلیس و جامعه روحانیت صاف کاری نماید و چنین هم شد. این شورش نه قیام علیه حاکمیت پشتونها و نه جنبش تاکستان ها بلکه یک حرکت ضد تنور و ترقی و پیشرفت بر پا شده توسط عقبگرا یان به تحریک انگلیس ها بود.

بچه سقو و داره دزدان مسئول همه فجایع خوانده شد و بار ملامت تاریخی از شورش پکتیا تا شینوار و شمالی و نابودی اصلاحات بدامن او ریختانده شد، چنانچه با خارج شدن امان الله خان از افغانستان و داخل شدن نادر خان به جنوبی ستاره بخت حبیب الله بچه سقو نیز افول نمود روحانی بانفوذ و حامی پرقدرت بچه سقو حضرت نورالمشایخ مجددی اعلان کرد که حبیب الله مسئول همه خونریزی هاست

حالا چند تاجر قومی تاجک تبار آن دسایس را نادیده گرفته آگاهانه یا از روی سیاستگری به همان قصه ها رنگ و رخ قهرمان سازی می دهند.

او وسیله بود در دست سیاست بازان که پس از تکمیل پلان بدور انداخته شد و بدار زده شد . آیین گروه خود پس از حدود یک قرن از گذشت حوادث پای شانرا در زنجیر ضد ترقی و تحول می بندند. آن شورش حرکت ضد ترقی و پیشرفت بود که مخالفان آن از هر قوم و قبیل در آن شرکت داشتند . اما آن گروه جهل زده و نا آگاه از راز و رمز سیات عامل امحای یک دوره بی مانند ترقی خواهی شدند. می گویند در دربار امیر خود ساخته سلام و علیک اسلامی منع شده بود هرکه به نزد امیر حضور می یافت به جای سلام میگفت (چشمه صدقه) یعنی قربان چشمت که امان الله لاتی را راندی.

از آن تاریخ تا نه ماه دیگر امور دولنداری در بحران عمیق بیسوادی همکاران دوران راهزنی امیر، محو حکومت مرکزی و به میان آمدن قدرت های قومی و منطقوی فرو رفت، معارف سقوط کرد، قوانین ملغا شد ، هرکه در راهزنی به امیر نزدیکتر بود مقام بلندتر گرفت، رتب جرنیل و کرنیل خود مختار برای اقناع همراهان داره ای امیر داده شد. جای نظام میتنی بر قانون و عصری گرایی را شکنجه ها و لت و کوب ها و تجاوزات ناموسی توسط خود مختار ها گرفته کشور به جهنم سوزان مبدل شد، خزانه دولت تهی گردید، عواید به صفر رسید، تجاران به جبر و اکراه مجبور به پرداخت پول مصارف امیر و خود مختارها شدند.

از فجایع این گروه بر مردم کابل کافی است به کتاب تذکره انقلاب مورخ شهیر کشور مرحوم فیض محمد کاتب مراجعه شود که چگونه سقوی ها نه تنها کابل که مردم آنرا نیز مال غنیمت گفته لاتی گویان از مال و جان و ناموس مردم دریغ نکردند.

سخن آخر!

همان طوریکه شورشگران جنوبی و شینوار از ملیت بزرگ پشتون نمایندگی نمی کردند آن داره دزدان به هیچ وجه نمایندگی از ملیت بزرگ تاجک نمی کردند.